جلسه پنجم: عفت و پاکدامنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

وَ الَّذینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ (۵) إِلاَّ عَلی أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومینَ (۶) فَمَنِ ابْتَغی وَراءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ العادُونَ (۷)

آنها کسانی هستند که فروج خویش را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند(۵) مگر نسبت به همسران و کنیزانشان که در بهره‌گیری از آنها هیچگونه ملامت و سرزنش (۶)هر کس غیر این طریق را (جهت بهره‌گیری جنسی) طلب کند تجاوزگر است(۷).

واژگان

حافِظُونَ : نگه دارنگان

مَلُومینَ: سرزنش‌شدگان

ابْتَغی : بخواهد و طلب کند

عادُونَ: تجاوزگران

نکات تفسیری

ویژگی دیگر مؤمنان مساله پاکدامنی و عفت، و پرهیز از هر گونه آلودگی جنسی است.

تعبیر به "محافظت فروج" گویا اشاره به این است که اگر مراقبت مستمر و پی‌گیر در این زمینه نباشد، بیم آلودگی فراوان است.

تعبیر به" غَیْرُ مَلُومینَ" (آنها مورد ملامت قرار نمی‌گیرند) ممکن است اشاره به طرز فکر غلطی باشد که برای مسیحیت انحرافی پیدا شده که آنها هر گونه آمیزش جنسی را خلاف شان انسان می‌پندارند و ترک مطلق آن را فضیلت می‌دانند .

اهمیّت عفّت

در روایات بسیاری، از *عفت و پاکدامنی*، به بالاترین شرافتها، نتیجه عقل، برترین عبادت و از کمال نعمت و به معنای خویشتن داری در کردار و گفتار تعبیر شده است.

مطالعه تاریخ حیات بشر در دورترین زمانهای ذکر شده، همراه با نشانه هایی از تمسک همیشگی انسان به حفظ پاکی و احترام به *عفت و پاکدامنی* است. همه اینها و مراجعه به وجدان، گویای فطری بودن عفت طلبی انسان است؛ یعنی:خداوند متعال، پاک بودن و پاک زیستن را در سرشت و نهاد بشر به ودیعت گذاشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله : عِفُّوا تَعِفُّ نِساؤُکُم؛

پاکدامن باشید تا زنانتان پاکدامن باشند.کافی ج ۵ ، ص ۵۵۳ ،

إنَّ اللّهَ یُحِبُّ الحَیِیَّ الحَلیمَ العَفیفَ المُتَعَفِّفَ؛

خداوند انسان با حیایِ بردبارِ پاک دامنی را که پاکدامنی می ورزد، دوست دارد.کافی ج ۲ ، ص ۱۱۲، ح ۸

امام علی علیه السلام: العِفَّةُ أفضَلُ الفُتُوَّةِ؛

عفّت، برترین جوانمردی است.غررالحکم و دررالکلم ص ۳۷ ،

العَفافُ یَصونُ النَّفسَ و یُنَزِّهُها عَنِ الدَّنایا؛

عفّت، نفس را مصون می دارد و آن را از پستیها دور نگه می دارد.تصنیف غررالحکم ص ۲۵۶ ، ح ۵۴۲۰

عِفَّتُهُ (الرَّجُل) عَلی قدرِ غَیرَتِهِ؛

پاکدامنی مرد به اندازه غیرت اوست. نهج البلاغه(صبحی صالح) ص ۴۷۷ ، حکمت۴۷

«عَلَیْکَ بِالْعَفافِ، فَاَنَّهُ افْضَلُ شِیَمِ الْاشْرافِ»

بر تو باد به پاکدامنی که برترین ویژگی اخلاقی انسانهای شریف است.

امام باقر علیه السلام: «ما مِنْ عِبادَةٍ افْضَلُ عِنْدَاللّهِ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ»

هیچ عبادتی در پیشگاه خداوند برتر از پاکی شکم و عفّت در امور جنسی نیست.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«مَا الُمجاهِدُ الشَّهیدُ فی سَبیلِ اللّهِ بِاعْظَمَ اجْراً مِمَّنْ قَدرَ فَعَفَّ، لَکادَ الْعَفیفُ انْ یَکُونَ مَلَکاً مِنَ الْمَلائِکَةِ»

پاداش مجاهد شهید در راه خدا از کسی که قدرت [بر حرام و گناه] دارد، ولی عفّت می‌ورزد، بیشتر نیست. نزدیک است که انسان پاکدامن، فرشته‌ای از فرشتگان [الهی] باشد.

عوامل تهدیدکننده عفاف

با گذراندن دوران پر از آرامش کودکی، دوران بلوغ، با بیدار شدن غرایز جنسی و نیازهای روحی روانی آغاز می شود. در این مرحله نقش خانواده در دادن آگاهی های مربوط به این دوران پررنگ می شود و پدر و مادر وظیفه دارند شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام، محرم و نامحرم و آنچه برای پیشگیری از آلودگی ها لازم است به فرزندان بیاموزند تا هم خود به وظیفه شرعی عمل کرده باشند و هم فرزندان از ارتکاب به اعمال منافی عفت مصون بمانند.

به ذکر چند عامل تهدید کننده عفاف می پردازیم:

۱-چشم چرانی

چشم دریچه حساسی است که در مقابل صحنه های تحریک آمیز، حالت منفعلانه ای به خود می گیرد و با ارسال آن به قلب و دل تمایلات نفسانی را بدون تجزیه و تحلیل و عبور از فیلتر عقل مطالبه می کند و انسان را در منجلاب بی عفتی و گناه می کشاند در همین رابطه قرآن کریم می فرماید: «قل للمومنین یغضوا من ابصرهم «... و «قل للمومنت یغضضن من ابصرهن» قرآن نگاه شهوت آمیز و مستقیم نامحرم که منشا انحراف و فساد است را حرام می داند، چون مفاسد متعددی بر آن مترتب می شود.

۲- اختلاط زن و مرد

مکتب اسلام در عین اینکه اجازه فعالیت اجتماعی را در عرصه اجتماع به زن می دهد او را از اختلاط در عرصه کار و فعالیت نهی می کند. اسلام می گوید نه حبس و نه اختلاط بلکه حریم. سنت جاری مسلمانان از زمان رسول خدا همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی شده اند ولی همواره اصل »حریم« رعایت شده است..

۳- خضوع در کلام توسط زنان

خضوع در کلام به معنای این است که زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند و به تبع دل دچار ریبه و خیالهای شیطانی شود و شهوت برانگیخته شود، در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است یعنی ایمان قوی ندارد، به طمع بیفتد. از این رو قرآن کریم می فرمایند: با مردان نرم و نازک سخن نگویید مبادا آنکه دلش بیمار «هوی و هوس» است به طمع افتد.

۴ زینت و عدم پوشش مناسب

در آیه ۳۱ سوره نور قرآن می فرماید: «ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن...؛ زینت و آرایش خود را جز آنچه قهرا ظاهر می شود بر بیگانه آشکار نسازید و باید سینه و دوش خود را به مقنعه بپوشانند . خداوند متعال با خود آرایی زن مخالف نیست، بلکه با خودنمایی مخالف است. و حتی در بعضی روایات زن و شوهر را برای قوام خانواده توصیه به زینت و آرایش می کنند. چون خودنمایی برای نامحرم عشق کاذب به وجود می آورد و این عشق سرانجامی جز شکست ندارد و به تعبیر مولوی:

عشقهایی کز پی رنگی بود　　عشق نبود عاقبت ننگی بود

۵- خلوت با نامحرم

از جمله عوامل تهدیدکننده عفت، خلوت با نامحرم است. مراد از خلوت این است که مکان جوری باشد که رفت و آمد در آن کمتر باشد و یا آن محل درهای ورود و خروجش بسته باشد در چنین شرایطی است که شیطان وسوسه خود را آغاز می کند و انسان را متمایل به گناه می کند.

۶ -عدم توجه به مسائل زناشویی

هر یک از زن و شوهر در کانون خانواده وظایفی را بر عهده دارند، عدم توجه به آن موجب می شود که طرفین ارضای نیازهای غریزی و طبیعی خود را خارج از محیط خانه به صورت ناسالم طلب کنند. عواملی مانند: عدم آراستگی توسط مردان، بی توجهی به مسائل جنسی و عاطفی، سوء ظن و غیرت ورزی بی جا بسیار موثر می باشند.

۷-فراموشی یاد خدا

شاه کلید عوامل تهدید کننده عفت، غفلت از یاد خداست. قرآن کریم در سوره زخرف آیه ۳۶ می فرماید: هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطانی را به سراغ او می فرستیم و همواره با او قرین خواهد بود .

پیامها

۱- حیا، شرط ایمان است. «لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ» (آلودگی جنسی، نشانه‌ی ضعف ایمان است)

۲- شهوت، طغیانگر است و به کنترل و حفاظت نیاز دارد. «حافِظُونَ»

۳-در ارضای غریزه‌ی جنسی، محدودیّت لازم است ولی ممنوعیّت خلاف فطرت است. «إِلَّا عَلى أَزْواجِهِمْ»

۴- حیای نابجا ممنوع. همین که اسلام، انجام کاری را اجازه داد، همه‌ی سنّت‌ها و عادت‌ها و سلیقه های شخصی و مخالف دین، محکوم است. «غَيْرُ مَلُومِينَ»

۵- تجاوز به حدودی که خداوند تعیین نموده، قانون شکنی‌است. «العادُونَ»

۶-به سراغ گناه رفتن نیز گناه است. «ابْتَغى -العادُونَ»